



جهانی شدن تجارت سکس

ریچارد پولین - برگردان: ب. کیوان

مقدمه

بیشتر تحلیل‌های مربوط به جهانی شدن سرمایه‌داری معاصر جنبه‌ی سیاره‌ای صنعت تجارت سکس را در نظر نمی‌گیرند.^۱ این بخش از اقتصاد جهانی در توسعه کامل که از جایجایی بسیار مهم جمعیت بوجود می‌آید و سودها و درآمدهای باورنکردنی پدید می‌آورد، ویژگی‌های اساسی و بی‌سابقه‌ی مرحله‌ی جدید اقتصاد سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد. رشد برق‌آسای آن بطور جدی حقوق اساسی بشر، به ویژه حقوق زنان و کودکان را که به کالاهای سکسی تبدیل شده‌اند، زیر سؤال برده است. دینامیک کار چنین است که سازمان‌های بین‌المللی از ۱۹۹۵، پس از تحلیل و گفتمانی که افشاگر بدترین نتیجه‌های جهانی شدن بازار سکس است، موضع‌هایی را پذیرفتند که به آزادسازی روسپی‌گری و بازارهای سکس گرایش دارد. در حقیقت، آنچه سازمان تجارت جهانی (WTO) به نفع جهانی شدن نولیبرالی از آن دفاع می‌کند، اکنون جای ارگان‌های گوناگون اروپایی و بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد را، در قلمرو بهره‌برداری جنسی از زنان و کودکان گرفته است.

صنعتی شدن تجارت سکس و کالایی شدن

جهانی شدن سرمایه‌داری امروز به «کالایی شدن» بی‌مانند نوع بشر در تاریخ نیاز دارد. طی ۳۰ سال دگرگونی بسیار فاجعه‌بار تجارت سکس به صنعتی شدن، مبتذل شدن و انتشار پرحجم آن در مقیاس جهانی انجامیده است.^۲ این صنعتی شدن همزمان قانونی و غیرقانونی که میلیاردها دلار^۳ درآمد ببار می‌آورد، بازار مبادله‌های سکس را رونق داده که در آن میلیون‌ها زن و کودک به کالاهایی با مشخصه‌ی سکس تبدیل شده‌اند. این بازار از توسعه‌ی پرحجم روسپی‌گری (مخصوصاً در نتیجه‌ی حضور نظامیان درگیر جنگ و یا اشغال سرزمین‌ها)^۴ به ویژه در

کشورهای تازه صنعتی شده، از توسعه ی بی سابقه ی صنعت توریستی^۵، پیشرفت و عادی سازی هرزه نگاری^۶، بین المللی شدن ازدواج های هدایت شده^۷ و همچنین نیازهای انباشت سرمایه بوجود آمده است.

این تأیید که صنعت تجارت جنسی وجود داشته از این دلیل سرچشمه می گیرد: بویژه اینکه ما با توسعه ی تولید انبوه ثروت ها و خدمات جنسی روبرویم که تقسیم منطقه ای و بین المللی کار را بوجود آورده است. در بخش بزرگی از نوع بشر که به فروش خدمات جنسی مشغول اند، «ثروت» پدید آمده است. این صنعت که در یک بازار جهانی شده گسترش یافته و هم زمان سطح محلی^۸ و سطح منطقه ای را یکپارچه می سازد، به نیروی اقتصادی پرهیزناپذیر تبدیل شده است. روسپی گری و صنعت های جنسی مرتبط با آن - میکده ها، با شگاه های رقص، روسپی خانه ها، سالن های ماساژ، مزون های تولید هرزه نگاری و غیره - روی اقتصاد زیرزمینی پرحجم تکیه می کنند که توسط پاندازی های مرتبط باجنایت سازمان یافته کنترل می شود و به نیروهای نظم فاسد سود می رساند. زنجیره های هتل داران بین المللی، شرکت های هوایی و صنعت توریستی وسیعاً از صنعت تجارت جنسی سود می برند و به دولت ها نیز از این بابت سود می رسانند. در ۱۹۹۵، برآورد شده است که درآمدهای روسپی گری در تایلند بین ۵۹ و ۶۰ درصد بودجه ی دولت را تشکیل می داد^۹. بی دلیل نیست که این دولت در ۱۹۸۷ توریسم سکس را با این عنوان افزایش داد: « یکی از میوه های تایلندی شیرین تر از دوریان [یک میوه محلی] زنان جوان اند»^{۱۰} در ۱۹۹۸، سازمان بین المللی کار برآورد کرد که روسپی گری بین ۲ و ۱۴ درصد مجموع فعالیت های اقتصادی تایلند، اندونزی، مالزی و فیلی پین را تشکیل می دهد^{۱۱}. طبق بررسی بیشوپ و روبینسون^{۱۲} صنعت توریستی ۴ میلیارد دلار در سال برای تایلند عایدی دارد.

صنعتی شدن تجارت سکس و فراملی شدن آن عامل های اساسی هستند که روسپی گری معاصر را بطور کیفی از روسپی گری دیروز متمایز می سازد. مصرف کنندگان از این پس می توانند در تمام جهان به پیکرهای جوان، حتی بسیار جوان « خارجی » بویژه برزیل، کوبا، روسیه، کنیا، سری لانکا، فیلی پین، ویتنام، نیکاراگوئه و جاهای دیگر دسترسی داشته باشند.

عامل دیگری که خصلت کیفی متفاوت به تجارت سکس امروز می دهد، این واقعیت است که روسپی گری به استراتژی توسعه ی برخی کشورها تبدیل شده است. زیر فشار استرداد وام، بسیاری از دولت های آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا از جانب سازمان های بین المللی چون « صندوق بین المللی پول » و « بانک جهانی » - که وام های کلان می دهند - به توسعه ی صنعت های توریسم و تفریحی تشویق شده اند. در هر یک از این موردها، پیشرفت این بخش ها به جهش صنعت توریسم جنسی میدان داده است^{۱۳}. در برخی موردها، مانند نپال، زنان و کودکان بطور مستقیم در بازارهای منطقه ای یا بین المللی (بویژه در هند و هنگ کنگ) عرضه می شوند، بی آنکه کشور مورد بحث توسعه ی گویای روسپی گری محلی را به رسمیت بشناسد. در دیگر موردها مثل تایلند، این امر توسعه ی همزمان بازار محلی و بازارهای منطقه ای و بین المللی را در پی داشته است^{۱۴}. اما در همه ی موردها، ملاحظه می شود که گردش این کالاها چه در مقیاس فراقاره ای یا فراملی از منطقه های کم متمرکز سرمایه به منطقه های بسیار متمرکز سرمایه جریان دارد. از این رو، برآورد شده است که طی ۱۰ سال، دویست هزار زن و دختر جوان بنگلادشی

به طرف پاکستان در تردد بوده اند^{۱۵}. در صورتی که ۲۰ تا ۳۰ هزار روسپی تایلندی منشاء برمه‌ای دارند^{۱۶}. جهانی شدن سرمایه از این پس با زنانه شدن بیش از پیش گسترده‌ی مهاجرت‌ها توصیف می‌شود^{۱۷}. بخش مناسبی از جریان مهاجرت به سمت کشورهای صنعتی انجام می‌گیرد^{۱۸}. روسپی‌های خارجی که آشکارا در پایین سلسله مراتب روسپی‌گری قرار دارند، بطور اجتماعی و فرهنگی منزوی هستند و در بدترین شرایط ممکن بهداشتی کار می‌کنند. تمام اقتصاد سیاسی روسپی‌گری و معامله‌ی زنان و کودکان باید در اصطلاح کلاسیک برپایه‌ی تحلیل نابرابری‌های ساختاری، توسعه‌ی نابرابر و مرکب و سلسله‌مراتبی بودن بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای وابسته شالوده‌ریزی شود.

وضعیت زنان و کودکان سیر پس‌روانه پیدا کرده: چنانکه، در بسیاری کشورهای جهان سوّم و همچنین در کشورهای اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی، زیر تأثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصاد، زنان و کودکان به ماده‌ی خام جدید (New Raw Resouces) در چارچوب توسعه‌ی تجارت ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. از دید اقتصادی، این کالاها با امتیاز دوگانه توصیف می‌شوند: پیکرها همزمان ثروت و خدمات‌اند. دقیق‌تر بگوییم، ما با کالایی شدن نه فقط پیکر، بلکه با کالایی شدن زنان و کودکان روبرویم. اندیشه‌ی رایج پیدایش شکل جدید بردگی در توصیف تجارتی که موضوع آن میلیون‌ها زن و کودک‌اند، از آنجاست.

این واقعیت‌ها شرایط و توسعه‌ی جهانی شدن کنونی سرمایه‌داری را در مورد زنان و کودکان که مورد بهره‌برداری تجارت جنسی‌اند، مشخص می‌کنند. باید سایر عنصرهای تعیین‌کننده را افزود. آدم ربایی، تجاوز به زور و خشونت از عامل‌های رونق این صنعت‌اند. آنها نه فقط برای توسعه‌ی بازارها، بلکه همچنین برای «تولید» این بازارها جنبه‌ی اساسی دارند: زیرا به «کارکردی» کردن آنها برای این صنعت که به آمادگی کلی پیکرها نیاز دارد، کمک می‌کنند. ۷۵ تا ۸۰ درصد روسپی‌ها در کودکی مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته‌اند^{۱۹}. بیش از ۹۰ درصد روسپی‌ها زیر کنترل پانداها قرار دارند^{۲۰}. یک بررسی درباره‌ی روسپی‌های خیابانی در انگلستان نشان می‌دهد که ۸۷ درصد روسپی‌ها قربانی خشونت طی ۱۲ ماه اخیر بوده‌اند^{۲۱}. ۴۳ درصد از آنها از پی‌آمدهای سوءاستفاده‌ی حاد جسمی رنج می‌برند. یک بررسی آمریکایی اعلام داشته است که ۷۸ درصد روسپی‌ها قربانی تجاوز به عنف از جانب پانداها و مشتریان (بطور متوسط ۲۹ بار در سال) هستند؛ ۴۹ درصد قربانی ربودن و انتقال از یک کشور به کشور دیگر بوده‌اند و ۲۷ درصد معلول شده‌اند^{۲۲}. سن متوسط ورود به روسپی‌گری در ایالات متحد ۱۴ سال است^{۲۳}. آیا می‌توان تأیید کرد که در چنین شرایط به راستی روسپی «آزاد» و غیراجباری وجود دارد؟

در کشورهایی که روسپی‌گری قانونی است، روسپی‌های خارجی بخاطر وضعیت ناپایدار مهاجرت به طور روزافزون به صورت مخفی بکار گرفته می‌شوند و از قاعده‌های بهداشتی که لازمه‌ی «مراقبت» از روسپی‌ها و خریداران سکس است، بی‌بهره‌اند.

سرانجام اینکه، روسپی‌گری از راه استثمار زنان اقلیت‌های قومی نیز توسعه می‌یابد. از این رو، در ۱۹۸۰، ۴۰ درصد روسپی‌های تایپه (تایوان) از منشاء بومی استرالیا موضوع معامله بوده‌اند^{۲۴}. در مقیاس جهانی، مشتریان شمال از زنان جنوب و شرق سود می‌جویند. در خود جنوب مشتریان ملی از زنان و کودکان اقلیت‌های ملی یا

نژادی سوء استفاده می کنند.

پیشرفت روسپی‌گری

طی سه دهه ی اخیر، اغلب کشورهای نیمکره ی جنوبی با رشدی فنومنی روبرو بوده اند. طی یک دهه وضعیت کشورهای اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی و مرکزی چنین بوده است. میلیون ها زن، نوجوان و کودک در ناحیه های « داغ » مادر شهرهای کشور خاص خود یا مادر شهرهای کشورهای مجاور زندگی می کنند. طبق برآورد ۲ میلیون زن در تایلند^{۲۵}، ۳۰۰ هزار در فیلیپین^{۲۶}، ۵۰۰ هزار در اندونزی^{۲۷}، نزدیک به ۸ میلیون در هند (۲۰۰ هزار آن نپالی)^{۲۸}، ۱ تا ۱/۵ میلیون در کره^{۲۹}، ۱۴۲ هزار در مالزی^{۳۰}، بین ۶۰ تا ۲۰۰ هزار در ویتنام^{۳۱}، ۱ میلیون در ایالات متحد، بین ۵۰ تا ۷۰ هزار در ایتالیا (نیمی از آن خارجی بویژه نیجریه ای)، ۲۵ هزار در هلند^{۳۲}، بین ۵۰ تا ۴۰۰ هزار در آلمان^{۳۳} و شاید بیش از ۲۰۰ هزار در لهستان^{۳۴} به روسپی گری مشغول اند. این روسپی ها در روز^{۳۵} ۱/۲ میلیون خدمات سکسی به مشتریان می فروشند

طبق برآورد یونیسف یک میلیون کودک هر سال وارد صنعت تجارت سکس می شوند^{۳۷}. صنعت روسپی گری کودکان از ۴۰۰ هزار کودک در هند^{۳۸} (که برخی مذهب ها آن را مشروع می دانند)، ۷۵ هزار کودک در فیلیپین^{۳۹}، ۸۰۰ هزار در تایلند^{۴۰}، ۱۰۰ هزار در تایوان^{۴۱}، ۲۰۰ هزار در نپال^{۴۲}، ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار کودک در ایالات متحد (اگر مجموع صنعت سکس را اضافه کنیم، رقم ها به ۲/۴ میلیون می رسد) و نیز از ۵۰۰ هزار کودک در آمریکای لاتین بهره برداری می کند. برآورد شده است که در چین توده ای بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار کودک روسپی وجود دارد. در برزیل، برآوردها بین ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون در نوسان^{۴۳} است؛ ۳۰٪ روسپی های کامبوج کمتر از ۱۷ سال دارند^{۴۴}. طبق برآورد برخی بررسی ها طی یک سال یک کودک روسپی « خدمات جنسی » اش را به ۲۰۰۰ نفر می فروشد^{۴۵}.

تردد زنان و کودکان

به موازات پیشرفت روسپی گری محلی در پیوند با مهاجرت از روستاها به سوی شهرها، صدها هزار زن جوان در چارچوب صنعتی به کمال سکس در کشورهای صنعتی به سمت مرکزهای شهری ژاپن، اروپای غربی و آمریکای شمالی برای « عرضه » خدمات جنسی به مشتری های مذکر پرشمار جابجا شده اند. این مهاجرت ها از روستاها به مرکزهای شهری نزدیک یا دوردست نه تنها هیچ نشانه ای از کندی سرعت بدست نمی دهند^{۴۶} بلکه برعکس همه چیز حاکی از ادامه رشد حیرت انگیز آن است.

تردد زنان و کودکان در مقیاس جهانی به صورت پرحجم انجام می گیرد. زنان و کودکان جنوب و جنوب شرقی آسیا گروه بسیار مهمی را در این زمینه تشکیل می دهند. روسیه و کشورهای مستقل اتحاد شوروی سابق (با ۱۷۵ هزار نفر در سال) دومین گروه در این رتبه ی مهم را تشکیل می دهند. پس از آن آمریکای لاتین و کارائیب (تقریباً با ۱۰۰ هزار نفر) و آفریقا (با ۵۰ هزار نفر)^{۴۷} قرار دارند.

شمار روسپی هایی که از فیلیپین، تایوان، تایلند و روسیه به ژاپن می آیند بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر است^{۴۸}. هر سال

۵۰ هزار دومینیکنی در خارج به ویژه در هلند به روسپی‌گری می‌پردازند. آنها در این کشور ۷۰٪ اشغال‌کنندگان ۴۰۰ ویتترین روسپی‌های آمستردام را تشکیل می‌دهند.^{۴۹} روسپیان روسی و اروپای شرقی که در محله‌های «داغ» آلمان دیده می‌شوند، بالغ بر ۱۵ هزار نفر هستند. ۷۵٪ روسپیان این کشور از اصلیت خارجی هستند.^{۵۰} ۴۰٪ روسپیان زوریخ از تبار جهان سوم اند.^{۵۱} ۵۰۰ هزار زن اروپای شرقی و بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار زن کشورهای اتحاد شوروی سابق در اروپای غربی به روسپی‌گری مشغول اند. طبق برآورد ۵۰ هزار خارجی برای تغذیه‌ی شبکه‌های روسپی‌گری به ایالات متحد می‌روند.^{۵۲}

هر سال نزدیک به یک چهارم میلیون از زنان و کودکان جنوب شرقی آسیا (برمه، ایالت ینان چین توده‌ای، لائوس و کامبوج) در تایلند، به عنوان کشور ترانزیت به بهای متنوع بین ۶۰۰۰ و ۱۰ هزار دلار آمریکایی خریداری می‌شوند. در کانادا دلانان ۸۰۰۰ دلار برای یک جوان آسیایی از فیلیپین، تایلند، مالزی یا تایوان می‌پردازند و آنها را ۱۵ هزار دلار به مؤسسه‌های روسپی‌گری می‌فروشند.^{۵۳} در اروپای غربی، بهای رایج یک اروپایی از مبدأ کشورهای سابق «سوسیالیستی» بین ۱۵ تا ۳۰ هزار دلار آمریکایی است. با ورود آنها به ژاپن زنان تایلندی ۲۵ هزار دلار آمریکایی وامدار شده‌اند.^{۵۴} زنان خریداری شده باید هزینه‌های مؤسسه‌های مربوط را تسویه و بفع آنها سالها کار کنند.

فوران هرزه نگاری

صنعت هرزه نگاری معاصر در آغاز دهه‌ی پنجاه با ابداع Playboy رو به گسترش نهاد. از آن پس، این صنعت همه‌ی وسیله‌های ارتباطی مدرن را بکار گرفته است. از این رو، در ایالات متحد محل فیلمبرداری ویدئویی هرزه نگاری، یک بازار ۵ میلیارد دلاری در سال در اختیار دارد. از فیلم‌های پرسود هرزه نگاری تلویزیون و نمایش این فیلم‌ها در اتاق‌های هتل‌ها ۱۷۵ میلیون دلار بدست می‌آید. در ایالات متحد بین ۱ تا ۲ میلیارد دلار از راه کارت‌های اعتباری در بدست آوردن اطلاعات مستقیم سکسی از طریق اینترنت خرج می‌شود.^{۵۵} اما این هزینه بین ۵ تا ۱۰ درصد همه‌ی فروش‌ها در شبکه است.^{۵۶} آنجا نیز صنعت هتل‌داری شریک است: در هر فیلمی که در یک اتاق نمایش داده می‌شود، ۲۰٪ بهای محل اجاره بدست می‌آید.

هرزه نگاری کودکان یا تقریباً کودکانه (Kiddi or Chicken porn) روی اینترنت ۴/۴۸ درصد همه‌ی انتقال‌های راه دور پایگاه‌های تجاری برای بالغ‌ها را تشکیل می‌دهند.^{۵۷} این هرزه نگاری از کودکان نوباوه تا سه ساله استفاده می‌کند. تصویرهایی که برای ارضای پندارهای مصرف‌کنندگان هرزه نگاری کودکانه تولید می‌شوند، می‌توانند به عنوان شکلی از سوءاستفاده‌ی سکسی توصیف شوند.

در ۱۹۸۳، رقم تجارت هرزه نگاری تا ۶ میلیارد دلار برآورد شده است.^{۵۸} این رقم بسیار پایین‌تر از رقم امروز است. به این دلیل دهه‌ی ۱۹۹۰ شاهد فوران تولید و مصرف هرزه نگاری است. هرزه نگاری از این پس یک صنعت جهانی است که بطور پرحجم منتشر شده و کاملاً به ابتذال رسیده و نه فقط اوج نابرابری سکسی را نمایش می‌دهد، بلکه برای تقویت این نابرابری می‌کوشد. این صنعت جزء فرهنگ است و آن را اشباع می‌کند و بنابراین،

در مجموع تصویرهای اجتماعی رسانه های سنتی و جدید اثر می گذارد. هرزه نگاری تنها یک صنعت پنداری نیست. یعنی قبل از هر چیز از زنان و کودکان بهره برداری و سوء استفاده می کند. صدها هزار نفر که آنجا کار می کنند، به نوبه ی خود مورد تجاوز و خشونت و قتل قرار می گیرند^{۵۹}. هرزه نگاری، در حقیقت روسپی سازی پندارهای جنس مذکر است. این هرزه نگاری زنان را نوبالغ و کودکان را از حیث سکسی بالغ نشان می دهد. هرزه نگاری تنها با بحث بر پایه ی آزادی بیان کاهش نمی یابد.

توریسم سکسی

توریسم سکسی به کشورهای وابسته محدود نشده است. ریپربان در هامبورگ، کورفورستندام (Kurfürstendamm) در برلین و محله های «داغ» آمستردام و روتردام مقصدهای بسیار معروف توریست های سکسی هستند. کشورهایی که روسپی گری را قانونی کرده اند یا با آن مدارا می کنند، به مکان های مهم توریستی تبدیل شده اند. با توجه به این کشورها است که سازمان های غیردولتی ملی در سطح اروپا و بین المللی، روسپی گری را به مثابه یک کار سکسی معرفی می کنند. توریسم سکسی به عنوان صنعت در حال رشد از سی سال پیش به این سو به روسپی سازی بافت اجتماعی سرگرم است. در تایلند در برابر ۵/۴ میلیون توریست سکسی ۴۵۰ هزار مشتری محلی در روز برآورد شده است^{۶۰}.

صنعت پرحجم روسپی گری در جنوب شرقی آسیا به علت جنگ ویتنام، توقف نظامیان در ویتنام، تایلند و فیلیپین^{۶۱} پیشرفت زیادی کرد. تایلند و فیلیپین در مبارزه علیه ویتنام نقش پایگاه پشت جبهه را بازی می کردند. افزایش بسیار زیاد روسپی گری محلی موجب استقرار زیرساختار لازم برای توسعه ی توریسم سکسی بویژه به موجب موجود بودن «نیروی کار»ی که محصول حضور نظامی بود، گردید. فراغت های بسیار زیاد، آسانی ارتباط ها و نقل مکان به خارج، ترکیب اجتماعی، و تصویر زیبا و شهوانی جوانان روسپی آسیایی _ با دیدی هرزه نگارانه _ که به اعتبار فرهنگ شان به رغم کم سنی از حیث سکسی بالغ محسوب می شوند و سیاست های دولتی مساعد برای توریسم سکسی به فوران این صنعت کمک کرده اند. امروز نیز طبق برآورد بالغ بر ۱۸ هزار روسپی در خدمت ۴۳ هزار نظامی ایالات متحد که در کره مستقرند، قرار دارند^{۶۲}. برآورد شده است که در فاصله ۱۹۳۷ و ۱۹۴۵ ارتش اشغالگر ژاپن از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار روسپی کره که در «استراحت گاه ها» (روسپی خانه های آرام بخش)^{۶۳} زندانی بودند، استفاده کرده اند. تنها چند روز پس از شکست ژاپن، انجمن ایجاد سرگرمی های ویژه ی آسان که بطور غیرمستقیم توسط دولت تأمین مالی می شود، نخستین روسپی خانه ی آرام بخش سربازان آمریکایی را گشودند. این انجمن در نقطه ی اوج کارش، ۷۰ هزار روسپی ژاپن را به کار گماشت^{۶۴}.

بیماری های واگیردار سکسی و نازایی نتیجه ی جهانی شدن صنعت سکس

طبق برآوردها تنها ۱۵٪ روسپیان ایالات متحد به بیماری مقاربتی مبتلا نشده اند^{۶۵}. ۸۵٪ روسپیان بورکینوفاسو مبتلا به ایدز هستند. مبتلایان به این بیماری در کنیا ۵۲٪، در کامبوج نزدیک به ۵۰٪ و در شمال تایلند ۳۴٪ هستند. در ۱۹۸۸

حدود ۲٪ روسپیان ایتالیا مبتلا به ایدز بودند. ده سال بعد این رقم به ۱۶٪ رسید.^{۶۶} یکی از بهانه های مشتریان در استفاده ی سکسی از کودکان پرهیز از بیماری های سکسی است. اما داده ها و آمارها این پندار را تکذیب می کنند. مثلاً در کامبوج از بین ۵۰ تا ۷۰ هزار روسپی بیش از یک سوم آنها کمتر از ۱۸ سال دارند و نزدیک به ۵۰٪ این جوانان سروپوزیتیو (Séropositive) هستند.^{۶۷} در غرب، ۷۰٪ نازایی زنانه به علت بیماری های مقاربتی شوهران و شریکان زندگی در نتیجه ی آمیزش جنسی با پرداخت پول است.^{۶۸}

آزادسازی صنعت سکس

در ۱۹۹۸ سازمان بین المللی کار، آژانس رسمی سازمان ملل متحد، در یک گزارش خواستار شناسایی اقتصادی صنعت سکس شده است. این شناسایی توسعه ی « قانون های کار و سودها به نفع کارکنان سکس»، بهبود « شرایط کار» در این صنعت و « توسعه ی شبکه ی مالیاتی بر فعالیت های متعدد پر سود مربوط به این صنعت» را در بر می گیرد.^{۶۹}

نخستین انحراف به نفع آزادسازی روسپی گری در مقیاس جهانی در ۱۹۹۵ هنگام کنفرانس پکن آشکار شد. در این کنفرانس برای نخستین بار اصل روسپی گری «اجباری» تصریح شد. بدین معنا که فقط با اجبار در روسپی گری باید مبارزه شود. در ۱۹۹۷، به ریاست هلند، خط های راهنمای محصول کنفرانس بین وزیران در لاهه با کوشش در جهت هماهنگ کردن مبارزه با دادوستد زنان با هدف های بهره برداری سکسی در اتحادیه ی اروپا، تعریف دادوستد را تنها به شرط به کاربردن زور، اجبار و تهدید روشن کردند.^{۷۰} در ژوئن ۱۹۹۹ سازمان بین المللی کار قراردادی درباره ی شکل های تحمل ناپذیر کار برای کودکان را به تصویب رساند. در فهرست طولانی تنظیمی، روسپی گری برای نخستین بار در یک متن بین المللی به عنوان کار شناخته شد. گزارشگر ویژه درباره ی تخلف های انجام یافته نسبت به زنان در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آوریل ۲۰۰۰ در ژنو نشان داد که تعریف داد و ستد نمی بایست زنان «مهاجر غیر قانونی مشغول به حرفه ی سکس» را به حساب آورد.

به عقیده ی ماری ویکتوآر لویی، همه ی این سیاست ها به « ترک مبارزه با سیستم روسپی گری [صحیح می گذارند] (و) توجیه کالایی شدن سیستم روسپی گری را بنام کاربرد برخی حالت مند های تنظیم آن تأیید می کنند»^{۷۱}.

نتیجه گیری

از ۳۰ سال پیش به این سو، ما با سکسی شدن جامعه روبرویم. این سکسی شدن مبتنی بر نابرابری اجتماعی است. نتیجه ی آن نابرابر شدن بسیار سودآور است. از آن پس، جامعه از سکس اشباع می شود و بازار سکس رو به رشد کامل و جهانی شده، قبل از هر چیز از زنان و کودکان بویژه جهان سوم و کشورهای پیشین «سوسیالیستی» بهره برداری می کند.

ما اکنون شاهد صنعتی شدن روسپی‌گری، داد و ستد زنان و کودکان، هرزه‌نگاری و توریسم سکسی هستیم. چندملیتی‌های سکسی به نیروهای اقتصادی مستقل^{۷۲}، بها‌گذاری شده در بورس تبدیل شده‌اند^{۷۳}. روسپی‌گری بدون بازار، بدون کالایی شدن موجودهای انسانی و بدون تقاضا وجود ندارد. متأسفانه، بهره‌کشی سکسی بیش از پیش به مثابه صنعت تفریحی^{۷۴} نگریده می‌شود و روسپی‌گری همچون کار مشروع تلقی می‌گردد. با اینهمه، صنعت فراغت «Leisure industry» مبتنی بر نقض منظم حقوق بشر است. بهره‌کشی سکسی از زنان و کودکان به همدستی مصرف‌کنندگان نیاز دارد.

این چشم‌انداز جهانی شدن، مجموع مشکلاتی را (استثمار اقتصادی، ستم سکسی، انباشت سرمایه، مهاجرت‌های بین‌المللی، نژادپرستی، مشکلات بهداشتی، سلسله‌مراتبی شدن اقتصاد - جهان، توسعه‌ی نابرابر و مرکب، فقر، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و غیره) را که در درک تحول دنیایی که در آن بسر می‌بریم، جایگاهی قطعی دارند، در بر می‌گیرد. آنچه که می‌توانست به این عنوان در حاشیه نگریده شود، از این پس در مرکز توسعه سرمایه‌داری جهانی قرار دارد. از این رو، این صنعت بیش از پیش به مثابه بخش مبتذل اقتصادی شناخته شده است.

سخن پیوست از مترجم

همانطور که ملاحظه می‌شود، متأسفانه در فهرست این بررسی دقیق و گسترده، آمار تجارت جنسی کشورهای خاورمیانه حضور ندارد. گفتنی است که یکی از نقطه‌های «داغ» این منطقه دبی است که از برکت طرح‌های نولیبرالی به کانون فساد و خوشگذرانی منطقه تبدیل شده است. ثروتمندانی که از راه غارت و دزدی و چپاول و پول‌های کثیف سرمایه‌های هنگفتی بچنگ آورده‌اند، در مرکزهای توریستی ضد فرهنگی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس سرمایه‌گذاری می‌کنند. این شبه‌کشورها که فلسفه‌ی وجودی‌شان تغذیه‌ی نفت مورد نیاز نفتخواران بین‌المللی است، از دید اقتصاددانان نولیبرال ایرانی که همواره موفقیت آنها را به رخ می‌کشند، افتخار یافته‌اند محل مناسبی برای بنیاد قمارخانه‌ها و روسپی‌خانه‌ها برای داغ‌نگاهدان بازار سکس طبق نمونه‌های جهانی باشند. یکی از افتخارهای نظام ایران شرکت فعال در این سرمایه‌گذاری توسط آقازاده‌ها و وابستگان دم‌کلفت حکومت است. حاکمان که در تبلیغات دم از «اخلاق اسلامی» می‌زنند در برابر این قبیل فعالیت‌ها سکوت اختیار می‌کنند. سرمایه‌های این طفیلی‌ها که از راه غارت پابرهنگان کشور بدست آمده بجای سرمایه‌گذاری در ایران و ایجاد اشتغال در کشور صرف سرمایه‌گذاری در ساختن هتل‌های خوشگذرانی و قمارخانه‌ها و خدمات آنها در دبی و غیره می‌گردد. علاوه بر این شبکه‌ی سازمان یافته‌ای در کشور به شکار دختران نوبالغ زیبای خانواده‌های فقیر و تنگدست سرگرم است و گروه‌گروه آنان را از راه قاچاق یا با ویزای دولتی برای فروش در بازار سکس دبی و پاکستان و دیگر بازارهای منطقه عرضه می‌کند. به ویژه در یک دهه‌ی اخیر وضع به چنان مرحله‌ی فاجعه‌باری رسیده است که روسپی‌های صادر شده از ایران بازار سکس کشورهای سابقاً سوسیالیستی را در شیخ‌نشین‌ها تنگ کرده‌اند. متأسفانه مثل همه‌ی موردهای دیگر آمار دقیقی در این باره در دست نیست. اما گستردگی فروش دختران معصوم ایرانی تا آنجاست که حتی در فیلم‌های سینمایی داخل کشور بازتاب یافته است. فیلم سینمایی

«نگین» از جمله‌ی آنهاست که سرنوشت دردناک و لرزاننده‌ی این دختران بی پناه و بینوا را به تصویر کشیده و نماد روشنی از وجود شبکه‌ی دلالتان در شکار زنان و دختران و کودکان برای فروش در بازار داخلی و بازارهای منطقه است. در این مورد بجاست گزارش ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ ایلنا را یادآوری کنیم. طبق این گزارش قالیباف فرماندهی کل نیروی انتظامی اعتراف کرد: «برخی از باندها، دختران کم سن و سال را به صورت غیرقانونی از کشور خارج می کنند»؟!

پی‌نوشت

* برگرفته از سایت www.negaresh.de که برای این سایت مورد بازنگری و ویراستاری قرار گرفته است. نویسنده‌ی مقاله: ریچارد پولین، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه اتاوا و نویسنده‌ی بسیاری از اثرها در علم‌های اجتماعی از جمله کتاب *بی‌خردی ناسیونالیستی* در سال ۲۰۰۰، *پایه‌های مارکسیسم* در سال ۱۹۹۷، *خشونت و هرزه‌نگاری، صنعت تصور و واقعیت‌ها* در سال ۱۹۹۳ و همچنین نویسنده‌ی برخی قصه‌ها و رمان‌ها از جمله رمان *حاکم شفق* در سال ۲۰۰۰ و نیز برنده‌ی جایزه‌ی خوانندگان در سال ۲۰۰۰ است. منبع: مجموعه‌ی «سرمایه و بشریت» نشر دانشگاهی فرانسه بخش مجله‌ها، پاریس ژانویه‌ی ۲۰۰۲.

۱- این متن یک بررسی مقدماتی در زمینه‌ی پژوهش بسیار عمیق درباره‌ی آزادسازی کنونی روسپی‌گری و جهانی شدن بازار سکس است.

- 2- Barry Kathleen, *The Prostitution of Sexuality*, New York, & London, New York University Press, 1995, p. 122; Jeffreys Sheila, "Globalizing Sexual Exploitation : Sex Tourism and the Traffic in Women", *Leisure Studies*, vol. 18, n°3, July 1999, p. 188.
- 3- Selon le Political Economy Center Chulalongkorn University of Thailand, en 1993-1995, l'industrie mondiale du sex a généré des revenus se situant entre 20 et 23 milliards de dollars américains, cité dans ECPAT Australia, ECPAT Developement Manual, Melborne, 1994, p. 29. D'autres enquêtes estiment à 52 milliards de dollars les revenus de l'industrie légale de sexe. Voir à ce propos, Leidholdt Dorchen, position Paper for the Coalition Against Trafficking in Women, Genève, 2 mai 2001, <http://www.uri.edu/arts/wms/jugues/cathw/posit2.htm>, p. 5.
- 4- Voir à ce sujet, entre autres, Strudevand, S. P. and B. Stolfus (ed.), *Let the Good Times Roll. Prostitution and the U. S. Military in Asia*, New York, The New Press, 1992.
- 5- Voir, entre autres, Truong T.-D., *Sex, Money and Morality: Prostitution and Tourism in Southeast Asia*, London, Zed Books, 1990.
- 6- Voir à ce sujet mon livre, *La violence pornographique. Industrie de fantasme et réalités*, Yens-sur-morges, Cabédita, 1993.
- 7- Dans le cas de l'Australie, voir: "Love, Honour and Obey", *The Alternatives*, <http://www.pastornet.net.au/alt/feb97/arranged.html>.
- 8- Effet de la mondialisation, Kathleen Barry, op. cit., p 126 rapporte que des villages entiers de pêcheurs des Philippines et de la Thaïlande se sont transformés en sites touristiques sexuels.
- 9- CATWAP, *Statistics on Trafficking and Prostitution in Asia and the Pasific*, p. 1, http://www.codewan.com.ph/salidumay/discussions/articles/stats_prostitution.htm.

- 10- Hechler David Child Sex Tourism, p. 2, <ftp://members.aol.com/hechler/tourism.html>.
- 11- Jeffreys Sheila, op. cit., p. 185.
- 12- Bishop R and L. Robinson L., Night Market. Sexual Cultures and the Thai Economic Miracle, New York, Routledge, 1998.
- 13- Hechler David, op. cit., p. 2.
- 14- Barry Kathleen, op. cit.
- 15- CATWAP, op. cit., p. 1.
- 16- Ibid., p. 2.
- 17- Santos Aida F., "Globalization, Human Rights and Sexual Exploitation", Making the Harm Visible, Hugues and Roche Editors, février 1999.
- 18- Par exemple, la majorité des prostituées de la Nouvelle-Zélande est d'origine asiatique. CATWAP, op. cit., p. 4.
- 19- J. C. Barden, "After release from foster care, many turn to live on the streets", New York Times, 1991, A1 ; Satterfield S. B. "Clinical Aspects of Juvenile Prostitution", Medical Aspects of Human Sexuality, vol. 15, n° 9, 1981. Ces données concordent avec celle d'une enquête que j'ai menée auprès des danseuses nues. Voir mon livre, Le sexe spectacle, consommation, main-d'œuvre et pornographie, Hull/Ottawa, Vents d'Ouest et Vermillon, 1994.
- 20- Silbert M. and A. M. Pines, "Entrance in to prostitution", Youth and Society, vol. 13, n° 4, 1982. Voir également K. Barry, op. cit.
- 21- Raymond Janice G., "Health Effects of Prostitution", Making the Harm Visible, Hugues and Roche Editors, mai 2001.
- 22- Ibid.
- 23- Voir, entre autres, Silbert M. and A. M. Pines, "Occupational Hazards of Street Prostitutes", Criminal Justice Behaviour, n° 195, 1981: Giobbe E., "Juvenil Prostitution: Profile of Recruitment", Child Trauma I : Issues & Research, New York, Garland Publishing, 1992.
- 24- Barry K., op. cit., p. 139.
- 25- Ibid., p. 122,
- 26- CATWAP, op. cit., p. 4.
- 27- Ibid., p. 3.
- 28- Ibid., pp. 2-3.
- 29- Barry, K., op. cit., p. 122.
- 30- CATWAP, op. cit., p. 3.
- 31- Ibid., p. 5.
- 32- Guéricolas Pascale, "Géographie de l'inacceptable", Gazette des femmes, vol. 22, n° 1, mai-juin 2000, p. 27-31.
- 33- Oppermann M., "Introduction", in Oppermann M. (ed.), Sex Tourism and Prostitution: Aspects of Leisure, Recreation, and Work, New York, Cognizant Communication Corporation, 1998, p. 8.
- 34- Cazals Anne, op. cit., p. 60.
- 35- Ackermann L. und C. Filter, Die Frau nach Katalog, Freiburg, Herder, 1994.
- 36- Oppermann M., op. Cit., p. 8.
- 37- Unicef, Child Protection, wysiwyg:-47-http:--www.unicef.org/programme/cprotection/traf.htm,p. 1.
- 38- Ibid., p. 2.
- 39- CATWAP, op. cit., p. 4.
- 40- Oppermann M., op. cit., p. 8.
- 41- Unicef, Child Protection, op. cit., p. 2.
- 42- ECPAT Australia, op. cit., p. 24
- 43- Unicef, Child Protection, op. cit., p. 2-3.
- 44- CATWAP, op. cit., p. 2.
- 45- Robinson L. N., The Globalization of Female Child Prostitution, Indiana University, <http://www.law.indiana.edu/glsj/vol15/no1/robinson.html>, 4 juin 1998, p. 1.

- 46- Santos Aida F., op. cit.
- 47- The Modern International Slave Trade,
http://www.uusc.org/programs/index_frames.html?strafic2.html, 14 mai 2001.
- 48- CATWAP, op. cit., p. 3.
- 49- Guéricolas Pascale, op. cit., p. 31.
- 50- Oppermann M., op. Cit.
- 51- Ibid.
- 52- O'Neill Richard, Amy, International Trafficking, in Women to the United States: A Contemporary Manifestation of Slavery and Organized Crime, DCI, Center for the Study of Intelligence, novembre 1999.
- 53- CATW, "Factbook on Global Sexual Exploitation. Canada.",
<http://www.uri.edu/artsci/hugues/catw/Canada.htm>, 29 avril 2001.
- 54- CATWAP, op. cit., p. 1.
- 55- Lane III, F. S., Obscene Profits, New York & London, Routledge, 2000, p. XV.
- 56- Ibid., p. 34.
- 57- Rimm Marty, Marketing Pornography on the Information Superhighway,
<http://trfn.pgh.pa.us/guest/mrtext.html>, p. 19.
- 58- Potter G. W., Criminal Enterprises : Pornography, <http://www.police-studies.eku.edu/Potter/International/Pornography.htm>, p. 1.
- 59- Les histoires d'horreur du métier "d'actric pornographique" sont désormais légion. Le plus récent récit est l'œuvre de Raffaëla Anderson (Hard, Paris, Grasset, 2001), vedette du film controversé, Baise-moi.
- 60- Barry K., op. cit., p. 60.
- 61- JeffreysSheila, op., cit., p. 186-187.
- 62- Barry K., op. cit., p. 139.
- 63- Ibid., p. 128.
- 64- Obid., p. 129
- 65- Leidhold Dorchedn, op. cit., <http://www.uri.edul1artsci/wms/hugues/catw/posit.htm>. p. 3.
- 66- Ibid., p. 4. Voir également Maurer, Mechtild, Tourisme, prostitution, sida, Paris/Genève, L'Harmattan/Cetim, 1992.
- 67- Véran Sylvie, "Cambodge. Vendue à 9 ans, prostituée, séropositive", *Nouvel Observateur*, 10 août 2000, p. 10-11.
- 68- Raymond J. G., "Health Effects of Prostitution", *Making the Harm Visible*, Hugues and Roche Editors, février 1999.
- 69- Lim L. L., *the Sex Sector. The Economic and Social Bases of Prostitution is Southeast Asia*, Genève, OIT, 1998, p. 212-213.
- 70- L'UE affirmait vouloir "combattre le trafic illégal des personnes", ce qui sous-entend qu'il existe un trafic "légal". Ainsi, dans de telles conditions, la définition de la traite ne s'attache qu'à protéger les femmes qui n'auraient pas consenti à leur exploitation. Ces femmes dorénavant auront le fardeau de la preuve qu'elles ont été contraintes à se prostituer.
- 71- Louis Marie-Victoire, "Pour construire l'abolitionnisme du XXIe siècle", *Cahier marxistes*, n° 216, juin-juillet 2000.
- 72- Barry K., op. cit., p. 162.
- 73- Le plus important bordel de Melbourne (Australie), *The Daily Planet*, est désormais coté à la bourse. Jeffreys, S., op. cit., p. 185.
- 74- Voir, entre autres, Oppermann, op. cit.
- 75- Voir, entre autres, Kempadoo K and J. Doezema, *Global Sex Workers*, New York & London, Routledge, 1998.